269124 ـ می‌پرسد: چگونه وصیت نامه‌اش را بنویسد؟

سوال

من یک زن متأهل هستم که تنها با همسرم زندگی می‌کنم و فرزندی ندارم والحمدلله علی کل حال. پدر و مادرم از دنیا رفته‌اند و برادران و خواهرانی دارم که ازدواج کرده‌اند. پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌هایم از دنیا رفته‌اند و عموها و دایی‌ها و عمه‌ها و خاله‌هایی دارم. کمی طلا و نقره دارم و وسایل شخصی مانند لباس و کتاب دارم از جمله قرآن و در حساب بانکی‌ام هزینه‌های ماهیانه‌ام را آن‌جا نگهداری می‌کنم. می‌خواهم وصیت‌نامه‌ام را بنویسم اما برای کسی در وضعیت خودم نمی‌دانم چگونه باید آن را بنویسم و به چه مسائلی بپردازم و نمی‌دانم که وارثان من چه کسانی‌اند. آیا می‌توانم تنها برای همسرم ـ خدا حفظش کند ـ وصیت کنم یعنی این وصیت نامه را به نام او بنویسم و او آن را بخواند؟ چون می‌خواهم برای او چیزهای دیگری علاوه بر ماترکم بنویسم. مثلا: چیزهایی که نتوانسته‌ام تا الان به او بگویم، مثلا این‌که بعد از وفاتم اگر دربارۀ من چیزی شنید درباره‌ام گمان نیک داشته باشد، چون او از سکوت من و کم حرفی و مبهم بودن من شکایت دارم. این برای آن است که من چیزهایی را که گمان می‌کنم مشکل درست می‌کند یا باعث ایجاد فتنه میان افراد خانواده می‌شود از او مخفی می‌کنم و الله به نیت من آگاه‌تر است. امیدوارم توانسته باشم پرسشم را درست مطرح کرده باشم و پاسخی شافی و وافی از شما بگیرم.

پاسخ مفصل

الحمدلله.

وصیت بر دو نوع است:

وصیت واجب: وصیتی است که در آن حقوق کسانی که چیزی برای اثبات آن ندارند را در آن آورده باشی، مانند قرض یا امانت‌هایی که نزد تو هستند. این‌جا وصیت واجب است تا چیزی بر گردن تو نماند.

وصیت مستحب: یعنی بخشش محض، مانند آن‌که انسان برای یک سوم یا کمتر از اموال خود برای غیر وارثان خویشاوند یا غیر خویشاوند وصیت کرده باشد. همین‌طور وصیت در کارهای خیر از جمله صدقه بر فقیران و بینوایان یا دیگر امور خیر. مراجعه کنید به: «فتاوى اللجنة الدائمة» (۱۶/ ۲۶۴).

همچنین شخص می‌تواند برای امور متعلق به کفن و دفنش وصیت کند، مانند این‌که چه کسی او را غسل دهد و بر او نماز بگزارد و مانند آن و این‌که وصیت کند از نوحه خوانی و دیگر امور ناجایز خودداری کنند.

روایتی که مسلم (۱۲۱) از عمرو بن العاص ـ رضی الله عنه ـ آورده است دال بر همین موضوع است. ایشان در هنگام وفات فرمودند: «پس چون از دنیا رفتم هیچ نوحه خوان و آتشی با [جنازه] من همراهی نکند».

مراجعه کنید به پرسش‌های (69827) و (10447).

همین‌طور اگر زن برای همسرش وصیت کند که نسبت به او حُسن ظن داشته باشد و از چیزهایی که رخ داده معذرت خواهی کند و از او بخشش بخواهد؛ برای این وصیت صیغهٔ خاصی نیست بلکه هر انسانی بر اساس چیزی که مناسب حال او و خانوادهٔ اوست و بر اساس حقوقی که برای او یا بر عهدهٔ اوست عمل کند و می‌تواند این وصیت را به عنوان امانت به دست کسی بدهد که پس از وفاتش آن را باز کنند.

برای شما جایز نیست که چیزی از اموال خود را برای همسرتان وصیت کنید، زیرا او در ماترک شما ـ اگر شما پیش از او وفات کنید ـ صاحب میراث شرعی است و الله عزوجل برای مرد در صورت وفات همسرش نصف دارایی‌های او را ـ در صورتی که فرزندی نداشته باشد ـ قرار داده است.

الله عزوجل حق هر صاحب حقی را تعیین کرده، بنابراین برای وارث وصیت نمی‌شود. (وصیت در یک سوم برای غیر وارثان است).

و از آن‌جایی که والدین شما از دنیا رفته‌اند، باقی ماندهٔ ماترک پس از دادن سهم شوهر میان برادران و خواهران شما تقسیم می‌شود و مرد به اندازهٔ سهم دو زن می‌برد.

مراجعه نمایید به پرسش شمارهٔ (106236).

انسان نمی‌داند چه هنگام از دنیا خواهد رفت و چه بسیار بوده‌اند انسان‌های سالمی که بدون بیماری از دنیا رفته‌اند و بیمارانی که مدت زمانی طولانی زندگی کرده‌اند.

واجب بر شما آن است که در حق همسرتان نیکی کنید و به آن شکلی که خوب است با او معاشرت داشته باشید و از مبالغه در کتمان و ابهام خودداری کنید؛ تا آن‌که رابطهٔ شما دچار سردی نشود و هم‌صحبتی و گفتگو میان‌تان کم نشود و هر یک به دوری از دیگری خو نگیرید.

زیرا همان‌طور که گفتن همه چیز به همسر باعث اختلاف و دشمنی می‌شود، همین‌طور زیاده‌روی در کتمان و کم سخنی نیز خطراتی را که گفتیم در بر دارد و بلکه ممکن است به شک و بدگمانی منجر شود.

آن‌چه در این بین مورد ستایش است، میانه‌روی است.

توصیهٔ ما این است که این معذرت‌خواهی را به بعد از وفات موکول نکنید.

بلکه همین الآن این کار را انجام دهید و با همسرتان به نیکی رفتار کنید و همهٔ تلاش خود را در جهت کسب رضایت او انجام دهید زیرا این ـ ان شاء الله ـ سببی والا از اسباب ورود به بهشت است.

والله اعلم.